

مقام معظم رهبری: برنامه بیفایده بی‌محتوایی که فقط يك وقت و يك فاصله زمانی را پُر می‌کند، مطلقاً پخش نکنید... چند سال قبل از این من يك برنامه مذهبی را از رادیو گوش می‌کردم. الفاظ علی‌الظاهر مذهبی و باطناً پوك، سجع‌ها بیخودی و عبارت‌ها قدیمی بودند



## رسانه ملی در نگاه رهبران انقلاب

# دغدغه فرهنگ

صدا و سیما و رسانه اصلی هر حکومت یکی از نقاط قوتش است. به طوری که یکی از ملزومات هر انقلاب تسخیر رسانه مرکزی حکومت است و در انقلاب اسلامی ایران هم وقتی تلویزیون ملی تسخیر شد و پیام انقلاب از طریق رادیو و تلویزیون مخابره شد، تغییر حکومت رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. همه اینها حاکی از اهمیت رسانه برای جامعه است و امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز به این نکته آگاه بوده‌اند و به همین خاطر در طول همه سال‌های بعد از انقلاب به دفعات نکات و تذکرات خود را به مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی منتقل کرده‌اند. در این گزارش به سراغ منتخبی از این منویات می‌رویم و آنها را مرور می‌کنیم تا با نقطه نظرات رهبران انقلاب اسلامی ایران در راهبری رسانه ملی بیشتر آشنا شویم.

## امام هم اوشین می‌دید!

### رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان

«ژاپنی‌ها برمی‌دارند از زندگی معمولی و شخصی يك نفر، يك موضوع برای فیلم درست می‌کنند که مطابق با واقع است. اصلاً علت جاذبه فیلم‌های ژاپنی هم این است. البته هنرپیشه‌های خوبی دارند، اما علت جاذبه این است که درست مطابق با واقع است. این سریال «سالهای دور از خانه» ای که نشان می‌دادند که همه را جذب کرد، حتی امام را. حاج احمد آقامی گفت که امام مرتب این سریال را نگاه می‌کردند. علتش چیست؟ چون زندگی‌ای که آن شخص در فیلم دارد و آن کاری که او دارد می‌کند، درست مطابق با واقع است؛ یعنی همانی است که واقعیت دارد. اصلاً هنرمند این است؛ باید واقعیت را عکس برگردان کند و به آدم نشان بدهد؛ حتی آن مقداری که آدم نمی‌بیند، برجسته کند، واقعیت را با همه

ریزه‌کاری‌هایش جلا بدهد و جلوی چشم آدم بگذارد. آن سریالی که اشاره کردم، این‌طور نبود؛ آن سحر ماه رمضان‌ش، آن افطار ماه رمضان‌ش، آن مجلس روضه‌اش؛ آخر هم بی‌معنی و بی‌مزه و بی‌واقعیت! واقعا جامعه ما این است؟! اصلاً هیچ چیز سرشان نمی‌شود!» (سریال سال‌های دور از خانه که در میان مردم ایران به عنوان اوشین شناخته می‌شود يك سریال تلویزیونی ژاپنی است که در سال ۱۹۸۳ توسط شبکه ان‌اچ‌کی تولید شد و در دهه ۶۰ در ایران پخش شد. شخصیت اصلی این داستان خانمی است که اوشین تانوکورا نام دارد، در سنین پیری خاطرات زندگی سختش از زمان کودکی تا بزرگسالی را تعریف می‌کند.)

۱۳۷۰/۰۷/۲۸

## عمق‌بخشیدن به تفکر انقلابی

### بیانات در دیدار مدیر و برنامه‌سازان گروه تلویزیونی شاهد

...اگر شما مسؤولیت خود را درست انجام دهید و ان‌شا‌ا... استعداد‌های جوان، روزبه‌روز شکوفایی پیدا کنند، شما از این بنده حقیر، برای اسلام و مسلمین و انقلاب مفیدتر خواهید شد. این، چیز کمی نیست. یعنی واقعا شما می‌توانید از بنده که سال‌های متمادی عمرم به تبلیغ گذشته و فوت و فن کار تبلیغ دینی را بلدم و این قدر مسأله در ذهنم گذشته، برای انقلاب، برای اسلام، برای شیرین کردن اهداف و آرمان‌های اسلام و انقلاب در چشم مستمعین و عمق‌بخشیدن به این تفکر، بیشتر مفید واقع شوید. تفکر بی‌عمق فایده‌ای ندارد. کارتان کار بسیار مهمی است.

من امروز به فیلم‌هایی که این آقایان درست می‌کنند و تلویزیون ما هم بی‌دریغ – همین‌طور اورت – اینها را از دهن خودش جلوی چشم مردم بیرون می‌ریزد، نگاه می‌کنم و می‌بینم اینها واقعا چقدر بی‌هنرند! جز چند هنرپیشه خوب که از هنرپیشه‌های معروفند و انصافاً هنرپیشه‌اند و خوب بازی می‌کنند، بازیگر و فیلم‌نامه‌نویس درست و حسابی نداریم... بعد از ۳۰ سال که کار کرده‌اند، تازه این از آب درآمده! آن وقت شما «تامرز دیدار» را که می‌بینید واقعا حظ می‌کنید. بازی خوب، فیلم‌نامه خوب، کارگردانی بسیار خوب. پیدا است شما هنرتران خیلی بالاتر از این هنر‌هاست.

۱۳۷۱/۰۲/۰۷

## از دیالوگ‌ها غافل نشوید!

### بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسؤولان سازمان صدا و سیما

مجموعه يك فیلم یا يك زنجیره نمایشی بایستی پیام‌های درست را القاکند. این هم با رسیدن به نصاب هنری امکان‌پذیر است. هنرمندی، هم در نوشتن داستان فیلم لازم است، هم در بازی‌ها، هم در کارگردانی و هم در بقیه کارهای فنی يك نمایش... این کاری خیلی مهم و البته دشوار است. يك درجه پایین‌تر از آن، محاوره‌ها یا به قول شما دیالوگ‌های فیلم است که خیلی مهم است. از اینها نباید غفلت کرد. گاهی يك محاوره درست و بجا در يك نقطه می‌تواند حقیقتی را که شما می‌خواهید با يك ساعت حرف زدن به ذهن مخاطب. به خصوص اگر جوان و نوجوان باشد. القاکند، القا کنند. از باب مثال عرض می‌کنم: حرف می‌زند می‌گوید فلان کار را نکنیم؛ جواب می‌شوند: «آقا! مگر نماز است که دیر شود؟!» يك جمله «مگر نماز است؟» معلوم می‌کند که نماز را نمی‌شود تأخیر انداخت. یا با جمله «مگر وحی منزل است؟» معلوم می‌شود که وحی منزل غیرقابل تغییر است.

مطلب دیگر این که گاهی در فیلم‌ها نقش‌های استطرادی یا حاشیه‌ای تأثیرات خیلی زیادی می‌بخشد و مثلاً در يك مجموعه تلویزیونی، يك زن دارای شخصیت جذاب و مثبت، حجاب خود را رعایت می‌کند و مراقب حجاب خود است. این يك نقش فرعی و حاشیه‌ای است؛ اما خیلی تأثیر می‌گذارد. یا يك شخصیت جذاب در فیلم در جای حساسی می‌رود نمازش را بخواند. بنده نمی‌گویم حتما نماز، رکوع و سجود نشان داده شود. گاهی نقش‌های تصنعی نشان داده می‌شود که نماز می‌گردد و «سبحان ربی الاعلی» را غلط می‌خواند؛ بلد نیست و درست نمی‌خواند. بنده اینها را نمی‌گویم. چنین نقش‌های استطرادی و حاشیه‌ای گاهی در نوجوان و جوان يك عالم تأثیر می‌گذارد.

۱۳۸۱/۱۱/۱۵

## مطلقاً برنامه بی‌محتوا پخش نکنید

### بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسؤولان صدا و سیما

... برنامه بی‌فایده بی‌محتوایی که فقط يك وقت و يك فاصله زمانی را پُر می‌کند، مطلقاً پخش نکنید... چند سال قبل از این، من يك برنامه مذهبی را از رادیو گوش می‌کردم. الفاظ علی‌الظاهر مذهبی و باطناً پوك، سجع‌هایی خودی و عبارت‌ها قدیمی بودند. يك نثر زیبای قدیمی نبود؛ بلکه عبارت من‌درآوردی ساختنی چرندی را به شکل عبارات مذهبی درآورده بودند و گوینده هم همین‌طور پشت سرهم می‌گفت. من که آخوند و اهل دین و اهل این فنم، هرچه گوش کردم که ببینم در این بحث نیم ساعتی که مرتب هم حرف می‌زد، چه می‌خواهد بگوید. می‌خواهد توحید را ثابت کند؟ می‌خواهد نبوت یا قیامت را ثابت یا رد کند؟ دیدم که اصلاً هیچ مفهومی ندارد. این، يك بحث خنثی است. من می‌گویم اگر شما این برنامه را برای این آوردید که اینجا خالی است، از شنوندگان عذرخواهی کنید و بگویید: شنوندگان! متأسفانه به قدر این يك ساعت، برنامه مناسب شما پیدا نکرده‌ایم؛ این يك ساعت تعطیل. این، خیلی بهتر و پُر جاذبه‌تر و منصفانه‌تر است.

نکته خیلی مهم دیگر، راجع به زبان فارسی است. يك بار دیگر هم چند سال قبل از این، در همان محل خودتان که آمده بودم، این بحث را کردم. از غلط‌گویی، واقعا انسان خیلی جوش می‌خورد. وقتی غلطی گفته می‌شود. به خصوص در بخش‌های پرسش‌ونده، مثل خبر و امثال آن. واقعا مثل این است که کسی يك سیلی به من می‌زند! این که می‌گویم مثل آن است که يك سیلی می‌زنند، مبالغه نیست. تازه این کم است؛ گاهی بعضی از غلط‌ها مثل يك سیلی و يك مشت است! بعضی از غلط‌ها هم مثل يك سیلی و يك مشت و يك لگد است!

۱۳۹۶/۰۵/۰۷